

فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره بیست و سوم، زمستان ۱۳۹۰: ۱۲۲-۱۰۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۰/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۶/۱۵

ریخت‌شناسی داستان مهر و ماه

علیرضا نبی‌لو*

چکیده

مقاله حاضر به مطالعه و تحلیل داستان مهر و ماه می‌پردازد. علاوه بر طرح مباحثی درباره این داستان، پیشینه و روایت‌های دیگری از آن، به پژوهش ریخت‌شناسانه ساختار داستان و عناصر آن توجه شده و مباحثی مانند زبان، شخصیت، راوی و زاویه دید، ساختار زنجیره‌ای داستان، بن‌مایه‌ها، زمان و مکان در آن بررسی شده است. سراسر کتاب را یک داستان بلند در برگرفته و شخصیت‌های متعددی در پیشبرد رویدادها درگیرند. نشر این اثر گاهی ساده و گاهی فنی و مسجع می‌شود. در این داستان از ۴۵ شخصیت استفاده شده که غالباً با نام خاص از آنها یاد می‌شود. بیشترین شخصیت‌ها را جادوان و پریان (۲۴/۵ درصد) و زنان و دختران (۲۲/۲ درصد) تشکیل داده‌اند. راوی داستان نامعلوم و مبهم است. زاویه دید داستان، سوم شخص یا دانای کل است. کارکردهای سی و یک گانه مورد نظر پراپ را در این داستان می‌توان دید و آن را می‌توان در شش مرحله وضعیت آغازین، پیچیدگی مسئله، انتقال، ستیز، بازگشت و به رسمیت شناخته شدن دسته‌بندی کرد. الگوی روایی داستان بدین قرار است:

G G K D H F C B E B O λ H K M Ex φ C λ E A α γ φ δ β ↑ ε λ F
Pr U K E Pr O T L K W Q N I R s ↓

شخصیت‌های داستان را نیز می‌توان از منظر پراپ در هفت حوزه کنش متمایز کرد. حوادث خارق‌العاده از عناصر اصلی این داستان است که به همراه جادوان و پریان روایت را پیش می‌برد، زمان، طبق روال داستان‌های سنتی نامعلوم و کلی است. مکان‌های شکل‌گیری داستان برخی واقعی و برخی خیالی‌اند و از چین، هند، مکه، شام و مصر تا مغرب را در بر می‌گیرند.

واژه‌های کلیدی: مهر و ماه، ریخت‌شناسی، ساختار زنجیره‌ای و داستان پریان.

مقدمه

قصه مهر و ماه حکایت دلدادگی مهر شاهزاده مشرق و ماه شاهزاده مغربی است که پس از ماجراهای طولانی و حیرت‌انگیز، سفرهای پر مخاطره، تحمل رنج و زحمت فراوان و دست و پنجه نرم کردن با حوادث خارق‌العاده و دیوان، پریان و غول‌ها، سرانجام پس از جنگ و نبردهای متعدد به وصال هم می‌رسند.

آنچه مورد نظر این مقاله است قصه منثور مهر و ماه از مؤلفی نامعلوم مربوط به قرن نهم است، که به همت محمدحسین اسلام‌پناه در سال ۱۳۸۹ با مقدمه آقای ایرج افشار به چاپ رسیده است. البته این قصه نسخ و روایت‌های دیگری نیز دارد؛ مثلاً از منظومه‌ای با همین نام از جمالی دهلوی، شاعر هندی، می‌توان یاد کرد: «گذشته از قصه منثور مهر و ماه، منظومه‌ای نیز با عنوان مهر و ماه سروده جمالی دهلوی (وفات: ۹۴۲ق). از عارفان و شاعران فارسی‌گوی شبه قاره هند، موجود است که به تصحیح مرحوم حسام‌الدین راشدی منتشر شده است» (قصه مهر و ماه، ۱۳۸۹: ۹). جمالی این اثر را به سال ۹۰۵ قمری به تشویق افاضل تبریز به سبک و شیوه مهر و مشتری عصار تبریزی، متوفی به سال ۷۸۴، نوشته است^(۱).

نویسنده اثر مورد بحث در این مقاله نیز منظومه جمالی دهلوی را مد نظر داشته و در پرورش روایت و اشخاص از آن منظومه سود جسته و بن‌مایه‌های پهلوانی و عیاری را چاشنی روایت غنایی و عاشقانه کرده است. «نویسنده و پردازنده قصه مهر و ماه طرح و شخصیت‌های اصلی قصه را از منظومه مهر و ماه جمالی دهلوی - سروده شده در ۹۰۵ ق - اخذ کرده و گوشه‌هایی را از خود بر ماجراهای کتاب افزوده و داستان را دگرگونه کرده؛ چنان‌که مهر را مرد و ماه را زن دانسته، آن را با بن‌مایه‌های قصه‌های عامیانه فارسی، از جمله بن‌مایه‌های عیاری، در هم آمیخته و لغات و ترکیبات و عبارتهای قالبی مرسوم در قصه‌های عامیانه فارسی را در جای جای نثر خود به کار گرفته است» (همان: ۹). نگارنده این داستان با آوردن نام برخی از قصه‌های عاشقانه و غنایی، اشراف خود را بر آنها نشان می‌دهد. «نویسنده قصه مهر و ماه با قصه‌های مشهور عاشقانه آشنایی تام داشته و برخی از آنها از جمله قصه‌های بدایع الجمال و سیف الملوک و گلچهره و اورنگ را در ضمن تشبیهات خود نام برده است» (همان).

همچنین می‌توان به روایت حسینی شیرازی از داستان مهر و ماه اشاره کرد که آن را به نظم درآورده و مفاهیم و معانی آن را با عشق عرفانی و سلوک روحانی آمیخته است^(۲).

درباره این اثر منثور و ریخت‌شناسی ساختار روایی آن، تحقیق و پژوهش مستقلی انجام نشده و تنها چند پژوهش درباره روایت‌های دیگر از این داستان در دست است که عبارت‌اند از:

مثنوی مهر و ماه از جمالی دهلوی به تصحیح حسام‌الدین.

مثنوی مهر و ماه از حسینی شیرازی، تصحیح و توضیح کاووس حسن‌لی و کاووس رضایی، ۳- مقاله داستانی عاشقانه در گزارشی عرفانی (نگاهی به منظومه «مهر و ماه» حسینی شیرازی)، از کاووس حسن‌لی چاپ شده در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد و مهر و مشتری از محمد عصار تبریزی به تصحیح رضا مصطفوی سبزواری.

کلیاتی درباره داستان مهر و ماه

در ادبیات فارسی قصه‌ها و داستان‌های متفاوتی وجود دارد که از نظر حجم و اندازه، موضوعات و مفاهیم، مخاطبان و خوانندگان، نوع شخصیت‌ها، هدف و غرض داستان‌پردازی و... قابل دسته‌بندی هستند.

یکی از آنها داستان‌های بلندی است که گاهی طول یک کتاب را در بر می‌گیرد و روایت‌پردازی آن، چنان طولانی می‌شود که در حد رمان‌های امروز طول و تفسیر پیدا می‌کند. این نوع داستان‌ها از نظر پردازش داستانی، تنوع شخصیت‌ها، زمان و مکان، کنش‌ها و... از داستان‌های دیگر متمایز می‌شوند؛ ولی از نظر ساختار روایتی، بن‌مایه‌های اخلاقی، وجود حوادث خارق‌العاده، ویژگی‌های زبانی و... به داستان‌های سنتی ادبیات فارسی نزدیک می‌شوند.

داستان‌ها از نظر واقع‌گرایی و خیال‌انگیز بودن نیز با هم متفاوت‌اند، برخی تماماً روی در واقعیت دارند و از این نظر شبیه داستان‌های تاریخی و بلکه خود تاریخ هستند؛ مانند داستان‌های تاریخ بیهقی و تاریخ جهانگشا و برخی دیگر از داستان‌ها کاملاً خیالی و غیرواقعی‌اند مانند داستان حیوانات که در کتاب‌هایی نظیر کلیله و دمنه و مرزبان نامه و... دیده می‌شود. در این میان به دسته دیگری از داستان‌ها برمی‌خوریم که هم از اشخاص و حوادث واقعی و هم از اشخاص و حوادث غیرواقعی در آنها می‌توان سراغ گرفت، در این نوع داستان‌ها ممکن است اشخاص و رویدادهای واقع‌گرا با شخصیت‌ها و رویدادهای غیرواقعی آمیخته شوند؛ ولی نهایتاً غلبه با واقع‌گرایی است. داستان مهر و ماه نیز از نظر حجم و تفصیل روایت در زمره داستان‌های بلند سنتی ایران است؛ زیرا این داستان از نظر نوع و تعداد شخصیت‌ها، درگیری آنها با موضوع داستان و طول روایت و روند حوادث و به عبارت دیگر از نظر حجم و اندازه فراتر از داستان‌های کوتاه و معمول زبان فارسی است^(۳).

در داستان مهر و ماه هم به اشخاص و عملکردهای واقع‌گرایانه می‌توان دست یافت و هم شخصیت‌ها و حوادث خیالی در پیشبرد داستان تأثیرگذارند. اشخاص این داستان اغلب انسان و موجودات خیالی هستند؛ ولی نقش حیوانات نیز در آن برجسته است، خصوصاً حیواناتی که علاوه بر خصلت حیوانی، اوصاف جادویی و خیالی نیز دارند. «خصوصیت این قصه‌ها اختلاط انسان با

۱۰۴ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره بیست و سوم، زمستان ۱۳۹۰

کلیه مخلوقات این جهان است. در این قصه‌ها انسان با حیوان و گیاه و جماد ارتباط نزدیک دارد انسان با آنها هم‌زبانی می‌کند و از آنها یاری می‌طلبد و با آنها دوستی می‌کند» (میرصادقی، ۱۳۶۵: ۱۳۵). از ویژگی‌های دیگر این اثر تک‌قصه‌ای بودن آن است و برخلاف بسیاری از کتب داستانی پیشین در آن به داستان‌های فرعی و کوچک‌تر بر نمی‌خوریم.

برخی از ویژگی‌های زبانی و ادبی داستان

این داستان به نثر فارسی نوشته شده و فارغ از هر مقدمه‌چینی و تمهید خاصی مستقیماً به سراغ داستان رفته. از اشعار فارسی بسیار سود جسته و غالباً ابیات مذکور شرح حال و بیان اوصاف یکی از اشخاص داستان است. بیان و لحن داستان جدی است و در سراسر آن چیزی از تهکم و طنز دیده نمی‌شود. از نظر سبک نثر، خصوصیات نثر مرسل نظیر سادگی و بی‌پیرایگی و ویژگی‌های نثر فنی مانند سجع و موازنه و... در آن دیده می‌شود، در مجموع نثر کتاب یک‌دست نیست. «نثر قصه ساده است، جملات کوتاه و بی‌تکلف، سجع‌های مصنوعی که به مناسبت می‌آورد گذشته از تعداد کمی که بی‌مایه و باردند گاهی گیرایی خاصی دارند» (قصه مهر و ماه، ۱۳۸۹: ۱۳).

برای نشان دادن ویژگی‌های زبانی و ادبی این داستان به ذکر چند نمونه‌ی پر بسامد بسنده می‌شود:

عامیانه بودن و سستی عبارات: در برخی مواضع این داستان کلمات و ترکیبات زبانی عامیانه و سستی می‌بینیم که فصاحت و وجاهت ادبی لازم را ندارد: «چون فارغ شدند عابد/حوال‌پرسی نمود» (همان: ۲۵)؛ «به شما همراهی نیز کنم و دیوان و جادوان را براندازم» (همان: ۲۶)؛ «به اتفاق روانه به قلعه نرگس جادو شدند» (همان: ۲۶)؛ «و آن قمری به فراغ، بال و پر را بگشاد... روی خود را به ولایت خود نهاد» (همان: ۲۶)؛ «نرگس بترسید و دید که امروز فردا قلعه را خواهند گرفت» (همان: ۲۷)؛ «پاره‌ی واهمه به خاطر یاران می‌گذشت» (همان: ۲۷)؛ «قضا را دو مرغ دیدند که با هم جنگ می‌کردند... و خود را مجروح ساختند چنانچه محض گوشت ماند» (همان: ۲۸)؛ «پیر را سلام دادند دست بوسی نمودند» (همان: ۳۹)؛ «او منّ و منّ گفت...» (همان: ۵۰).

استفاده از وجه وصفی و صفت مفعولی: که در این کتاب به بوفور می‌توان دید: «جماعت دیوان که موکل آنجا بودند این احوال را دیده‌گریخته خبر را به نرگس جادو بردند» (همان: ۲۷)؛ «نرگس جادو او را از مادر و پدر دور انداخته آورده در قفس محبوس کرده و دیوان جادوان را بر

او موکل ساخته» (همان: ۳۰)؛ «چون کنیزکان و خادمان خبر یافتند آمده دیدند که هر دو بی هوش افتاده‌اند» (همان: ۳۱).

لغات خاص: برخی از لغات خاص که در نثر ادبی فارسی چندان مرسوم و معمول نبوده و غالباً تحت تأثیر لغات ترکی و مغولی است، در این کتاب دیده می‌شود: «فرخ فال طوی پادشاهانه تیار کرده، روز افزون را عقد بسته به خاورشاه دادند» (همان: ۳۳)؛ «مهر، غلامان را فرمود تا کشتی‌ها را تیار کردند» (همان: ۵۱)؛ «القصه مهر فرمود تا چهل کشتی معه قماش با جواهر که بایست و لوازم دریای مغرب که ضرور بود پنهان از پدر تیار کردند» (همان: ۳۷).

جملات کلیشه‌ای: که در بیشتر مواضع این کتاب وجود دارد: «مهر به صد دل غایبانه عاشق جمال ماه گردید» (همان: ۳۵)؛ «دختر هامون به صد هزار دل شیفته گردید» (همان: ۴۳).

نامه نگاری و استفاده از اشعار فارسی: یکی از ویژگی‌های دیگر این اثر، پیشبرد داستان از طریق نامه‌نگاری و مکاتبه است که گاهی بین مهر و ماه یا شخصیت‌های دیگر داستان نظیر هلال مغربی جریان می‌یابد، همچنین مؤلف از اشعار شاعرانی نظیر حافظ، صفایی و... بهره گرفته‌است، بیشتر این اشعار برای پیش بردن داستان و بیان اغراض شخصیت‌های داستان است. (به دلیل محدودیت مقاله از ذکر نمونه خودداری می‌شود).

سجع و تنسیق صفات: از این آرایه به ویژه در توصیف اشخاص بسیار بهره گرفته‌است: «القصه پادشاه را دختری بود به زیبایی آن در تمام بلاد دیگری نبود. آفتاب رویی، مشکین مویی، فرشته خویی، کمان ابرویی، طوطی گفتاری، کبک رفتاری، سروبالایی، ماه سیمایی، شیرین‌مقالی، موزون‌خصالی، ابرو هلالی...» (همان: ۸۱)؛ «القصه ازین ماه رویی، فرشته‌خویی، شیرین‌مقالی که خسروان ملاحظت فرهاد او بودند، لیلی‌زلفی که هزار دل مجنون در سلسله او بود. بدیع‌الجمالی که هزار سیف‌الملوک شکسته غمزه جادوی او بود... لطیفی، ظریفی، فصیحی، ملیحی به لطافت و به قامت قیامتی و به غمزه فتنه زمانی و آشوب جهانی» (همان: ۱۳۳).

استعاره و تشبیه: از آرایه‌هایی است که نویسنده داستان بسیار بدان توجه کرده و در توصیف اشخاص و صحنه‌های داستان از آن سود جست، البته از تشبیه بیشتر استفاده کرده است: «تا اژدهای ظلمت در حصار شد» (همان: ۲۸)؛ «چشمه‌های ایشان چون کاسه آتش افروختی» (همان: ۲۷)؛ «تا آفتاب عالم تاب سر از دریچه فلک برآورد» (همان: ۲۴)؛ «پادشاه را مهر انگشتی همچون نگین درون خزاین دل جا گرفت» (همان: ۲۴)؛ «چون نزدیک قلعه آمدند دیدند که همچون آه مظلومان به فلک رسیده و خندقی همچو اشک عاشقان صد بار از دریا گذشته» (همان: ۲۷)؛ «شکل چون خیالات فاسد سیاه... دو ابرو را همچون میل به گل سرخ و زنگار و سمه کشیده و چشم و

۱۰۶ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره بیست و سوم، زمستان ۱۳۹۰
مژده اش چون میان درختان سفید و سیاه گردیده... بینی چون خرطوم فیلی و دهانی چون طغار نیلی» (همان: ۴۵).

باید توجه داشت که در این نوع داستان‌ها زبان و بیان نویسنده با شخصیت اصلی داستان آمیخته می‌شود و شخصیت‌ها از زبان نویسنده سخن می‌گویند، اصولاً گفت‌وگو در قصه‌ها و داستان‌های سنتی، متفاوت از داستان‌های امروز است و تشخیص حدود و ثغور آن دشوار می‌نماید. «در قصه‌های کوتاه و بلند فارسی گفت‌وگو جزو روایت قصه است و از خود حد و رسمی ندارد. میان روایت قصه و گفت‌وگو فاصله و نشانه‌ای نیست یعنی گاهی زبان و بیان راوی با شخصیت‌ها گره می‌خورد. گفت‌وگوهای شخصیت‌ها یا قهرمان‌های قصه به دنبال روایت قصه می‌آید» (میرصادقی، ۱۳۶۷: ۳۲۳). غالباً در این نوع داستان‌ها قهرمان‌ها همه یک جور حرف می‌زنند و گفت‌وگوی آنها تابع زبان و بیان نویسنده داستان است و با خصوصیات زبانی و سبکی صاحب اثر گره می‌خورد. «گفت‌وگو در کتاب‌های قصه‌ای که جنبه ادبی آن بر جنبه روایتی و داستانی آن می‌چربد، صورت طبیعی و معمول خود را ندارد و اغلب با تکلف و صنایع لفظی آمیخته است» (همان: ۳۲۷). به همین دلیل نمی‌توان در این نوع داستان‌ها بین بیان و افکار شخصیت‌ها هماهنگی برقرار کرد و احساس طبیعی و واقعی بودن به خواننده منتقل نمی‌شود.
برای پژوهش در ساختار داستانی مهر و ماه علاوه بر ذکر مختصات کلی اثر به ذکر خلاصه‌ای از داستان، ریخت‌شناسی داستان و جایگاه برخی از عناصر داستانی در آن، پرداخته می‌شود^(۴).

خلاصه داستان

خاورشاه پادشاه دیار مشرق از فرزند محروم بود، منجمان گفتند در صورتی فرزنددار می‌شود که با پری‌ای وصلت نماید، روزافزون، دختر پادشاه پریان- فرخ فال- بود. روز افزون به عقد خاورشاه درآمد و مهر از این وصلت متولد شد. منجمان گفتند در ۱۸ سالگی از کاغذ پاره او را رنجی رسد.

مهر در شکار به مشتری بازرگان می‌رسد، مشتری گفت هلال پادشاه مغرب را دختری است به نام ماه. مهر با دیدن تصویر شیفته او شد و به یاد پیش‌بینی منجمان افتاد. مهر با مشتری و نیک‌اختر- پسر روشن رای وزیر- مشورت کرد و با هم، راهی دیار مغرب شدند. در راه با پیری به نام ارمیا- برادر آصف برخیا- آشنا شدند. مهر و همراهان در راه سران‌دیب به جزیره‌ای رفتند و با عندلیب پسر همای- پادشاه پریان- آشنا شد. عندلیب چند پر به او داد که به ضرورت آنها را آتش بزند و طلب کمک کند، ارمیا در هنگام مرگ مکتوبی برای هلال مغربی نوشت و دعایی را

به مهر آموخت. مهر و همراهان در یمن گرفتار می‌شوند. مهر به مصریان فروخته می‌شود، پادشاه مصر فوت نموده و مهر به دلیل صاحب جمال بودن به تخت شاهی می‌رسد.

نیک‌اختر نیز با خواندن دعای ارمیا نجات یافته و به نزد بهرام، شاه مداین و همسرش ناهید می‌رود. دخترشان روح پرور شیفته او می‌شود و از خادمش کافور کمک می‌گیرد. نسیم - از عباران مداین - صندوقی را که نیک‌اختر داخل آن بود می‌رباید. روزی نسیم، نیک‌اختر و همراهان، گرفتار خواجه فولاد شده و به مصر برده می‌شوند. مهر، نیک‌اختر را می‌شناسد. نسیم، مشتری را نجات می‌دهد و به مصر می‌آورد. نسیم به رسالت نزد هلال مغربی فرستاده می‌شود، او و یارانش در راه با پیروی برخورد می‌کنند که بعداً معلوم می‌شود غول است، او را می‌کشند و از استخوان کعب او مهره‌ای می‌سازند که هر کس این مهره را با خود داشته باشد، دیگران او را نمی‌بینند. نسیم و یاران در کنار دریای مغرب به یاران ابر فرنگی برمی‌خورند. او برادر هلال مغربی است و پسرش سحاب نیز به ماه علاقه‌مند است، ولی خورشید - مادر ماه - به این وصلت راضی نیست. نسیم، مکتوب مهر را به هلال عرضه می‌کند. هلال نیز نامه‌ای به مهر می‌نویسد. مهر لشکری به حوالی مصر می‌فرستد. سحاب چاکرش، ظلمت عیار، را به قصد دزدیدن ماه به حصار خورشید می‌فرستد. او اشتباهاً زهره - دختر وزیر هلال - را می‌دزدد و به جانب فرنگ می‌برد. ابر فرنگی و پسرش سحاب قصد دارند به مغرب حمله کنند. نسیم با بستن مهره بر بازو و ناپدید شدن به نزد ماه می‌رود و پیام مهر را به او می‌رساند. ماه نیز به او مکتوبی می‌دهد تا به مهر برساند. مهر در مقابل لشکر سحاب و ابر فرنگی می‌ایستد، با هیاهوی نسیم و خبر شیخون مهر، لشکر سحاب پراکنده شده و سحاب کشته می‌شود. مهر این خبر را به ماه می‌دهد و ماه نیز به او پاسخ می‌دهد.

هلال به مهر می‌گوید شرط وصلت ماه، دفع بوقلمون - دیو دریای مغرب - و پسرش مختال و رهایی زهره است. بوقلمون با جادو، برف و سرما می‌بارد، مهر با دعای ارمیا آن را دفع می‌کند. در نبرد، مختال کشته می‌شود و بوقلمون می‌ترسد. نسیم، مهره بر بازو می‌بندد تا از وضعیت زهره مطلع شود. در آنجا بوقلمون و دخترش، شبگون، را می‌بیند و می‌شنود که او به دخترش می‌گوید جان من به جان ماهی سیاهی در فلان چشمه وابسته است و کسی نمی‌تواند مرا بکشد، نسیم این سخن را می‌شنود. مهر دستور می‌دهد، آن ماهی را شبانه بیابند، روز دیگر بوقلمون، سپاه در برابر مهر می‌آراید و مهر را دشنام می‌دهد، مهر دستور می‌دهد که ماهی را بکشند، بوقلمون نیز کشته می‌شود و زهره نجات می‌یابد. مهر و همراهان، راهی دیار هلال مغربی می‌شوند. مهر، مهره بر بازو می‌بندد تا پنهانی ماه را ببیند. هلال می‌گوید اگر مهر برده نبود برای دامادی مناسب بود، مهر مکتوب ارمیا را که به هلال نوشته بود به عطارد، وزیر او، می‌دهد و هلال درمی‌یابد که مهر

۱۰۸ / پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره بیست و سوم، زمستان ۱۳۹۰

پادشاه زاده است؛ سپس هلال و خورشید به وصلت مهر و ماه رضایت می‌دهند، آنها نیز به مصر مراجعت می‌کنند.

در راه، مهر و یارانش گرفتار ابر فرنگی و دیگر جادوگران می‌شوند. مهر در مناجات و دعا خوابش می‌برد و در خواب به او گفته می‌شود که خلاصی تو در دست کسی است که در مجاورت تو محبوس است. او گلغذار دختر همای - شاه پریان مغرب- و نامزد عندلیب پسر عمویش است؛ ولی یغما، دختر خاله او، از سر حسد او را زندانی کرده. مهر از پرهایی که عندلیب داده بود یاد کرده و آن را آتش می‌زند. آنها با آمدن عندلیب نجات می‌یابند. عندلیب با دیگر پریان پس از نجات یاران مهر، آنها را به مصر می‌برند. مهر کسی را به نیابت بر مصر می‌گمارد و به همراه یاران خود به نزد پدر و مادر بر می‌گردد. پدر مهر او را به پادشاهی منصوب و خود گوشهٔ عبادت و زهد اختیار می‌کند.

ریخت‌شناسی داستان

داستان مهر و ماه مانند اغلب رمانس‌ها و داستان‌های سنتی ایران ساختار داستانی و الگوی زنجیره‌ای خاصی دارد؛ یعنی می‌توان زنجیرهٔ نامرئی و طرح مشخصی را در این داستان ترسیم کرد. برای نشان دادن این امر از الگوی تحلیل ساختاری ولادیمیر پراپ - ریخت‌شناس داستان‌های پریان - بهره می‌گیریم.

پراپ با ریخت‌شناسی داستان‌های عامیانه، به ویژه داستان پریان روسی، الگوی فراگیری به دست داد که هنوز هم الگوی مورد نظر او برای تحلیل ساختار و ریخت‌قصه‌ها و داستان‌های عامیانه معتبر است. اصطلاحات «ریخت‌شناسی»، «خویشکاری» و «حوزه عمل» از کلیدواژه‌های اصلی نظریه پراپ است.

برای مطالعه ریخت‌شناسانه یک روایت، باید واحدها و اجزای ساختار آن را مشخص و روابط میان آنها را تحلیل کرد، در ریخت‌شناسی قصه بر ارزیابی خویشکاری‌ها و حوزه‌های کنش هفتگانه تاکید می‌شود تا بتوان به زنجیره پنهان روایی و عملکرد شخصیت‌ها دست یافت. در ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، آنچه اصل قرار می‌گیرد، اعتقاد به اولویت عملکردها بر شخصیت‌های قصه است، همچنین تجزیه و تحلیل سازه‌های قصه‌ها و یافتن زنجیره‌های پنهان آن از دیگر اهداف این نوع پژوهش‌هاست.

پراپ عناصر ثابت و متغیر قصه‌ها را مطالعه کرد و دریافت که با وجود شخصیت‌های متغیر در قصه‌ها، کارکردهای آنها ثابت و محدود است، او کل کارکردها را در سی و یک مورد دسته‌بندی کرد. وی معتقد است در هر قصه تعدادی از کارکردها آورده می‌شود. این سی و یک کارکرد در تقسیم‌بندی کلی تری قرار می‌گیرند که شامل مراحل تدارک، پیدایش گرفتاری، جا به جایی،

مبارزه، بازگشت و شناسایی است. این کارکردها با حروف لاتین و انگلیسی فرمول‌نویسی می‌شوند و می‌توان ساختار و بن‌مایه داستان را به کمک آنها خلاصه کرد و الگویی به دست داد که با آن می‌توان داستان‌های متعدد را با فرمول و الگوهای محدود و یکسان مطالعه کرد. جدول ۱ به مطالعه کارکردها و خویشکاری‌های داستان مهر و ماه بر اساس نظریه پراپ می‌پردازد و سپس فرمول و زنجیره روایی داستان بیان می‌شود.

جدول ۱. «خویشکاری‌های داستان مهر و ماه»

خویشکاری‌های مورد نظر پراپ	کارکردهای روایی داستان
<p>وضعیت آغازین تعیین سرزمین، بی‌فرزندی، دعا، تولد معجزه‌آسا، پیشگویی α</p> <p>نهی γ</p> <p>کسب خبر φ</p> <p>نقض نهی δ</p> <p>غیبت β، عزیمت \uparrow</p> <p>خبرگیری شریر ε</p> <p>فریبکاری λ</p> <p>دریافت عامل جادویی F</p> <p>شرارت A، مقابله اولیه C</p> <p>عامل غیبی؟</p> <p>فریبکاری λ، واکنش قهرمان E، انتقال مکانی G</p> <p>انتقال مکانی G، رفع مشکل K</p> <p>اولین کارکرد بخشنده D، عامل غیبی؟</p>	<p>- شرح حال خاور شاه و فرزند نداشتن او و پیشگویی منجمان مبنی بر وصلت او با پریان و توصیه روشن‌رای وزیر و دست و پنجه نرم کردن با نرگس جادو و نجات قمری محبوس که بعداً معلوم می‌شود روزافزون دختر شاه پریان است و تولد مهر.</p> <p>- نهی کردن مهر از نگریستن به کاغذ در ۱۸ سالگی.</p> <p>- مهر از مشتری بازرگان درباره ماه خبر می‌گیرد.</p> <p>- مهر با دیدن تصویر ماه شیفته او می‌شود و به یاد پیش‌بینی منجمان می‌افتد.</p> <p>- مهر با مشتری و نیک‌اختر دیار خود را رها کرده و به سفر می‌رود.</p> <p>- در جزیره دیوساران هامون و دخترش به دنبال آنها هستند.</p> <p>- مهر با لطایف الحیلی از دست هامون رهایی یافت.</p> <p>- عندلیب پسر همای - پادشاه پریان - چند پر به او داد که به ضرورت آنها را آتش بزند و طلب کمک کند.</p> <p>- در جزیره دوال پایان با درایت ارمیا از خطر نجات می‌یابند.</p> <p>- ارمیا در هنگام مرگ مکتوبی برای هلال مغربی نوشته و دعایی را به مهر می‌آموزد.</p> <p>- آنها در ادامه عزیمت به سوی یمن و عدن پس از رهایی از دام سروآسا و دایه او بنفشه و شبرنگ به سوی مکه می‌روند.</p> <p>- مهر به مصریان فروخته می‌شود. پادشاه مصر فوت نموده، مهر به دلیل صاحب جمال بودن به تخت شاهی می‌رسد.</p> <p>- نیک‌اختر نیز با خواندن دعای ارمیا به دست خواجه نصیر بازرگان نجات می‌یابد.</p>

<p>H مبارزه</p> <p>F دریافت عامل جادویی</p> <p>C مقابله اولیه</p> <p>B میانجیگری</p> <p>E واکنش قهرمان</p> <p>B میانجیگری، ورود به طور</p> <p>O ناشناس</p> <p>K فریبکاری، مبارزه H، رفع مشکل</p> <p>M کار دشوار</p> <p>Ex رسوایی شریر</p> <p>Pr کسب خبر ϕ، پیگیری و تعقیب</p> <p>K مجازات شریر U، رفع مشکل</p> <p>E واکنش قهرمان</p> <p>Pr پیگیری و تعقیب</p> <p>T ورود به طور ناشناس O، تغییر شکل</p> <p>L ادعای بی پایه</p> <p>W شناخته</p> <p>K، از دواج W، شناخته</p> <p>Q، انجام کار دشوار N</p> <p>I، پیروزی، نجات RS</p>	<p>- نسیم، مشتری را از دست شیرنگ نجات می‌دهد و به مصر می‌آورد، نسیم و یاران در راه با غولی مواجه می‌شوند و او را می‌کشند.</p> <p>- از استخوان کعب غول مهره‌ای می‌سازد که هرکس با خود داشته باشد، دیگران او را نمی‌بینند.</p> <p>- نسیم و یاران در لب دریای مغرب به یاران ابر فرنگی برمی‌خورند.</p> <p>- نسیم مکتوب مهر را به هلال می‌رساند.</p> <p>- بار دیگر مهر، نامه‌ای به هلال نوشت و او را تهدید می‌کند.</p> <p>- نسیم با بستن مهره بر بازو و ناپدید شدن به نزد ماه رفته و پیام مهر را به او می‌رساند. ماه نیز به او مکتوبی می‌دهد تا به مهر برساند.</p> <p>- ظلمت عیار با فریب خوردن صندوقی پر از مار سمی را به نزد سحاب می‌برد و با هیاهوی نسیم و خبر شیخون مهر لشکر سحاب پراکنده شده و سحاب کشته می‌شود.</p> <p>- هلال به مهر می‌گوید شرط وصلت ماه، دفع بوقلمون دیو و پسرش مختال است.</p> <p>- بوقلمون با جادو، برف و سرما می‌بارد. مهر با دعای ارمیا آن را دفع می‌کند. در نبرد، مختال کشته می‌شود و بوقلمون می‌ترسد.</p> <p>- نسیم، مهره بر بازو می‌بندد تا از وضعیت مطلع شود. در آنجا بوقلمون و دخترش شبگون را می‌بیند و می‌شنود که او به دخترش می‌گوید جان من به جان ماهی سیاهی در فلان چشمه وابسته است و کسی نمی‌تواند مرا بکشد، نسیم این سخن را می‌شنود.</p> <p>- مهر دستور می‌دهد، آن ماهی را شبانه بیابند، روز دیگر بوقلمون، سپاه در برابر مهر آراسته و مهر را دشنام می‌دهد، مهر دستور می‌دهد ماهی را بکشند و بوقلمون نیز کشته می‌شود.</p> <p>- شبگون قصد فریب مهر را دارد و نسیم به یاری آن مهره شبگون را می‌شناسد و مهر دستور می‌دهد تا او را بکشند.</p> <p>- سپس مهر و یاران راهی دیار هلال مغربی می‌شوند.</p> <p>- مهر مهره بر بازو می‌بندد تا پنهانی ماه را ببیند.</p> <p>- هلال می‌گوید اگر مهر برده نبود برای دامادی مناسب بود.</p> <p>- مهر مکتوب ارمیا را که به هلال نوشته بود به عطارد می‌دهد و</p>
---	--

بازگشت ↓	<p>هلال دریافت که مهر پادشاه زاده است. هلال و خورشید به وصلت مهر و ماه رضایت می‌دهند. سپس آنها به مصر مراجعت می‌کنند.</p> <p>- گل‌گذار نامزد عندلیب پسر عمویش است، ولی یغما، دختر خاله او، از سر حسد او را زندانی کرده. مهر از پرهایی که عندلیب داده یاد کرده و آن را آتش می‌زند. آنها با آمدن عندلیب نجات می‌یابند.</p> <p>عندلیب با دیگر پریان به نجات مشتری، ماه، خورشید و زهره شتافته و آنها را به مصر می‌آورند.</p> <p>- مهر و همراهان به نزد پدر و مادر بر می‌گردند. پدر مهر، او را به پادشاهی منصوب و خود گوشه‌ی عبادت و زهد اختیار می‌کند.</p>
----------	--

با توجه به جدول فوق درمی‌یابیم که به جز خویشکاری داغ گذاشتن یا زخمی شدن قهرمان سایر نقش ویژه‌های مورد تاکید پراپ در این داستان حاضر است و ساختار آن کاملاً منطبق با ساختار داستان‌های پریان است، از سوی دیگر با توجه به زمینه اجتماعی و دینی ایران، تأثیر و کارکرد دعا نیز در پیشبرد روایی داستان مؤثر است.

بنا بر آنچه گفته شد الگوی روایی این داستان بدین قرار است:

$\alpha \gamma \varphi \delta \beta \uparrow \varepsilon \lambda F A C \lambda E G G K D H F C B E B O \lambda H K M E x \varphi Pr$
 $U K E Pr O T L K W Q N I R s \downarrow$

پراپ همچنین سی و یک کارکرد مذکور را به شش دسته زیر تقسیم کرد:

۱. زمینه‌چینی یا وضعیت آغازین

۲. پیچیدگی مسئله

۳. انتقال

۴. ستیز

۵. بازگشت

۶. به رسمیت شناخته شدن^(۵)

اگر بخواهیم شش مرحله مذکور را در داستان مهر و ماه بنگریم و از ساختار زنجیره‌ای آن مطلع شویم می‌توانیم به تطبیق این الگو با روایت داستان بپردازیم:

۱. زمینه‌چینی و وضعیت آغازین: خورشاه پادشاه دیار مشرق از فرزند محروم بود و منجمان

گفتند در صورتی فرزنددار می‌شود که با پری‌ای وصلت نماید، روشن‌رای، وزیر او گفت شرط تسلط بر پریان به دست آوردن انگشتری سلیمان است.

۲. پیچیدگی مسئله: آنها از فیلسوف عابد شنیدند که خاتم سلیمان در غاری میان هفت دریاست و مستخر کردن آن با علم سحر ممکن است و این سحر در کتابی در نزد نرگس جادو در حصاری است، با اعتکاف و دانستن اسم اعظم می‌توان آن حصار را در هم شکست.
 ۳. انتقال: فیلسوف عابد اسم اعظم را به آنها آموخت و خود نیز همراه شد. عابد، شاه و وزیر با خواندن اسم اعظم به حصار وارد شدند و قمری محبوسی را آزاد کردند، آنها با کشیدن خط به دور خود و یادکرد اسم اعظم سعی کردند بر جادوگران پیروز شوند.
 ۴. ستیز: درگیری با نرگس جادو، نجات قمری، وصال با روزافزون، تولد مهر، جست‌وجوی مهر و نبرد با ابرفرنگی و خطرات بین راه و ستیز و دست و پنجه نرم کردن با جادوان در این مرحله قرار می‌گیرد.
 ۵. بازگشت: مهر و همراهان به نزد پدر و مادر بر می‌گردند.
 ۶. به رسمیت شناخته شدن: پس از برگشتن مهر و همراهان به نزد پدر و مادر، پدر مهر، او را بر تخت پادشاهی می‌نشانند و خود گوشهٔ عبادت اختیار می‌کند، مهر نیز عدالت پیش می‌گیرد.
- پراپ علاوه بر سی و یک کارکرد، هفت حوزهٔ کنش را نیز مشخص می‌کند که هفت شخصیت اصلی قصه را در بردارد، یعنی شخص خبیث، بخشنده، مددکار، مورد جست‌وجو، اعزام کننده، قهرمان و ضد قهرمان. او معتقد است در تمام داستان‌ها، این اشخاص حضور دارند. البته به نظر پراپ ممکن است برخی اشخاص بیش از یک حوزهٔ کنشی داشته باشند. تقسیم‌بندی زیر هفت حوزهٔ کنش مورد نظر پراپ را در داستان مهر و ماه نشان می‌دهد:
۱. خبیث: بنفشه، بوقلمون جادو، ثریا، خواجه فولاد، سروآسا، شبرنگ، شبگون، ظلمت عیار، عاج بن‌عنق، مختال، میلاد، نرگس جادو و هامون که در طول داستان خباثت و شرارت‌هایی از آنها سر می‌زند.
 ۲. بخشنده و فراهم آورنده: خاورشاه، خواجه نصیر و مشتری که فراهم آورندهٔ امور و مشوق مهر هستند.
 ۳. مددکار: ارمیا، خواجه نصیر بازرگان، خورشید، روشن رای، عندلیب، فیلسوف عابدی، مشتری، نسیم و نیک‌اختر که در سراسر روایت مهر را یاری می‌دهند.
 ۴. مورد جست‌وجو: پیدا کردن ماه و ازدواج با او و جلب نظر هلال مغربی پدر ماه که هدف مهر است.
 ۵. اعزام کننده: خاورشاه پدر مهر و روزافزون مادر مهر و عشق ماه که برانگیزنده و اعزام کنندهٔ مهر برای سفر هستند.
 ۶. قهرمان: مهر که قهرمان اصلی داستان است.

۷. قهرمان دروغین: ابر فرنگی و سحاب که بیش از دیگران در نقطهٔ مقابل مهر قرار می‌گیرند و ضد قهرمان فرض می‌شوند.

شخصیت‌های داستان

یکی از ویژگی‌های این داستان انتخاب القاب و اسامی حساب شده برای شخصیت‌هاست؛ به گونه‌ای که اسامی بیشتر شخصیت‌ها با عملکرد و اوصاف داستانی و رفتاری آنها سازگاری کاملی دارد؛ مثلاً ابر فرنگی و پسرش سحاب، بوقلمون جادو، دیو دریای مغرب و دخترش شبگون و مختال پسر او، شیرنگ سردسته عیاران و ظلمت عیار از چاکران سحاب، اشخاص منفی هستند و اسامی و القاب منفی آنها متناسب با کنش ناپسندشان است؛ ولی خرم روز خاله مهر، خورشید مادر ماه و همسر هلال، روز افزون دختر شاه پریان و مادر مهر، روشن رای وزیر خاورشاه و نیک‌اختر پسر وزیر دارای کنش مثبت و القاب و اسامی مقبول دارند. در ادامه به نمادشناسی این نام‌ها پرداخته می‌شود.

نام‌ها و نمادهای مثبت

مهر، قهرمان اصلی داستان و فرزند خاورشاه، هم به معنی خورشید و در کنار ماه است و هم نشان عشق و محبت دارد. از سوی دیگر با خاور، مشرق و طلوع خورشید ارتباط دارد. ماه، دختر هلال مغربی، ماه نورش را از خورشید می‌گیرد بنابراین در اینجا فروغش از مهر کمتر است.

خاورشاه، پادشاه مشرق، هم با طلوع خورشید از مشرق ارتباط دارد و هم با پسرش مهر تناسب پیدا می‌کند.

هلال مغربی، پادشاه مغرب زمین است، علاوه بر نقصان مغرب در مقابل مشرق به دلیل غروب خورشید، لفظ هلال نیز به باریکی و کم فروغی اشاره دارد.

روزافزون، دختر پادشاه پریان و مادر مهر، نشانگر افزونی و کمال و رشد است.

فرخ فال، پادشاه پریان، عملکردش در داستان با خوشی و فرخی مرتبط است.

مشتری، بازرگان و یاریگر مهر است، علاوه بر ارتباط مشتری و بازرگان در لفظ، نویسنده به سعد اکبر بودن مشتری نیز توجه داشته است.

روشن رای، وزیر خاورشاه، فکر و رای روشن دارد و بصیرت او با نامش همخوان است.

نیک‌اختر، پسر روشن رای، در داستان نماد خوشبختی و خوش اقبالی است.

نسیم، از عیاران مداین، علاوه بر عیاری و جوانمردی، نام او با سبکباری و چالاکی مرتبط است.

عندلیب، پسر هما پادشاه پریان، این نام در ادبیات فارسی وجهه‌ای مثبت و با واژه هما و نامزدش گلعدار تناسب دارد.

هما، پادشاه پریان، نشانه سعادت بخشی است و در این داستان نیز چنین جلوه‌ای دارد. نصیر، بازرگان، نماد یاری و کمک است و در داستان به مهر و همراهانش کمک می‌کند. خورشید، مادر ماه است که، علاوه بر ارتباط و تناسب با دخترش ماه نامش، به نوعی نشان‌دهنده موافقت و همسویی با مهر است؛ زیرا با وصلت آنها در برابر درخواست سحاب موافقت می‌کند.

عطارد، وزیر هلال، هم نماد دبیری و فضل است و هم هلال از او راهنمایی و مشاوره می‌گیرد. دریای مشرق، در مقابل دریای مغرب برتری دارد و نقطه آغاز سفر مهر و محل برگشت اوست.

ثریا، وزیر ابر فرنگی، نماد استعلا و برتری بر ابر است و با ثروت و مکنات ارتباط دارد. خرم روز، خاله مهر، نشان‌دهنده روشنی و خرمی و نشاط است.

نام‌ها و نمادهای منفی

نرگس جادو، علاوه بر جادوگری، نام او خودپرستی و خودخواهی را نیز القا می‌کند. شبرنگ، برادر بنفشه، تیرگی و سیاهی را بیان می‌کند.

خواجه فولاد، رباینده نسیم و نیک‌اختر، سنگدلی و سرسختی را نشان می‌دهد. ابر فرنگی، برادر و مخالف هلال، افول‌پذیری و زودگذری در مقابل مهر و هلال را القا می‌کند. سحاب، پسر ابر و عاشق ماه، با نام پدرش ابر تناسب دارد و همچنین بیانگر زودگذری و عدم استواری است.

بوقلمون دیو، دیو دریای مغرب، علاوه بر دیو بودن نام او نشانگر تلون مزاج و رنگ‌پذیری و فریبکاری است.

ظلمت عیار، چاکر سحاب، نامش با تاریکی و تیره‌دلی و در عین حال چابکی همراه است. دریای مغرب، در مقابل دریای مشرق، محل غروب خورشید و مهر است و با هلال و زیردستی او در مقابل مهر و یارانش سازگاری دارد.

مختال، پسر بوقلمون دیو، نامش مؤید فریبکاری و تکبر متناسب است. شبگون، دختر بوقلمون دیو، مانند شبرنگ القا‌کننده تاریکی و تیره‌دلی است. یغما، دختر خاله گلعدار، نامش یادآور غارت و یغماگری است.

نام‌ها و نمادهای خنثی

این نام‌ها اگرچه لفظاً معانی و مفاهیم مثبت یا منفی دارند، در داستان مورد بحث حالت خنثی و تقریباً بی‌طرف به خود می‌گیرند، به همین دلیل از تفسیر آنها خودداری می‌شود. مظفر، پسر پادشاه یمن؛ سروآسا، دختر پادشاه یمن؛ بنفشه، دایه سروآسا؛ ظریف العقلا، وزیر پادشاه یمن؛ بهرام، شاه مداین؛ ناهید، همسر بهرام؛ روح پرور، دختر بهرام؛ کافور، خادم روح پرور؛ زهره، دختر عطارد وزیر هلال؛ عذرا، دختر ثریا وزیر ابر فرنگی؛ گلعدار، نامزد عندلیب. از سوی دیگر اوصاف و عناوین قهرمانان، متغیر و بیشتر برای پیشبرد داستان است. «عناوین و صفات قهرمانان، کمیته‌های متغیر قصه هستند، مراد از صفات، مجموعه همه خصایص ظاهری قهرمانان مانند سن، جنس، مقام، ظاهر و جزئیات این سیما و ظاهر و مانند اینهاست» (پراپ، ۱۳۶۸: ۱۷۵).

شخصیت‌ها از عناصر اصلی داستان محسوب می‌شوند که در پیشبرد آن بسیار اهمیت دارند. در داستان مهر و ماه از شخصیت‌های مختلفی بهره گرفته شده، شخصیت‌هایی مانند جادوان و پریان، زنان و دختران، شاهان و شاهزادگان، وزرا، عیاران و جاسوسان و صاحب مشاغل و... مجموعاً در این داستان از ۴۵ شخصیت استفاده شده که تقریباً همگی اسم خاص دارند. این شخصیت‌ها در پردازش داستان‌ها و بیان مفاهیم و معانی مورد نظر نویسنده داستان نقش بسزایی ایفا می‌کنند. جدول ۲ بیان‌کننده اشخاص این داستان است.

جدول ۲. «شخصیت‌های داستان»

طبقه کلی	شخصیت‌های عام	تعداد	درصد
شاهان و شاهزادگان	ابر فرنگی، بهرام، خورشاه، مهر، سحاب، میلاد، هلال، مظفر	۸	۱۷/۸
وزرا و وزیرزادگان	ارمیا، ثریا، روشن رای، ظریف العقلا، عطارد، نیکاختر	۶	۱۳/۳
صاحبان مشاغل	نصیر بازرگان، عاج بن عنق، مشتری	۳	۶/۷
عابدان و زاهدان	فیلسوف عابد	۱	۲/۲
زنان و دختران	بنفشه، خرم روز، خورشید، ماه، روح پرور، زهره، سروآسا، عذرا، ناهید، دختر هامون	۱۰	۲۲/۲
جادوان و پریان	بو قلمون، روز افزون، فرخ فال، مختال، نرگس جادو، هامون، همای، شبگون، عندلیب، گلعدار، یغما	۱۱	۲۴/۵
عیاران و جاسوسان	خواجه فولاد، زره، شبرنگ، نسیم	۴	۸/۸
خادمان و غلامان	ظلمت عیار، کافور	۲	۴/۵
جمع		۴۵	۱۰۰

چنان‌که از جدول فوق پیداست شخصیت‌های جادوان و پریان بالاترین بسامد را دارند و این نشانگر محوریت این اشخاص در داستان مهر و ماه است. بیشتر این اشخاص منفی هستند مانند بوقلمون، مختال، نرگس جادو، هامون و شبگون، برخی دیگر مانند روزافزون، فرخ فال و عندلیب و... شخصیت‌های جادویی مثبت هستند. زنان و دختران از شخصیت‌های دیگری هستند که بسامد زیادی در داستان مهر و ماه دارند، محور اصلی داستان، جست‌وجوی ماه است و سایر زنان و دختران نیز به نوعی درگیر این موضوع هستند. شاهان و وزرا در مرحله بعد قرار دارند و این مطلب نشان می‌دهد که داستان جنبه اشرافی و درباری دارد. در این داستان از اقشار عمومی و مردمان عادی کمتر می‌توان اثری دید. صاحبان مشاغل نیز برخلاف برخی داستان‌های سنتی نمود کمی در این داستان دارند. وجود عیاران و جاسوسان نشانگر آن است که داستان ویژگی‌های عیاری و جنگجویی دارد و مانند اغلب داستان‌های سنتی از بن‌مایه عشق، جنگ و عیاری بهره می‌گیرد.

در این داستان با دو چهره متفاوت از زن مواجه می‌شویم: یکی مانند ماه، خورشید و روزافزون که وجهه مثبت و مقبولی دارند و کسانی نظیر بنفشه، سروآسا، شبگون، نرگس جادو و دختر هامون که فقط شیفتگی و احساساتی بودنشان وجه غالب شخصیت آنان است و غالباً از خانواده‌های جادویی و نه چندان موجه هستند که در اولین نگاه شیفته مهر یا مردان دیگر می‌شوند. همچنین چهره مادران در این داستان بسیار موجه و مطلوب نشان داده می‌شود مانند خورشید و روزافزون... که از درایت و عقلانیت خوبی بهره‌مندند.

شخصیت‌های داستان، ایستا هستند و فرصتی برای توصیف روحیات و اوصاف درونی آنها ایجاد نمی‌شود و غالباً واقع‌گرا و حقیقی به نظر نمی‌آیند. وجود دیو، عفريت و غول به عنوان شخصیت‌های خیالی و ساختگی در داستان‌های سنتی ایران رایج بوده و حضور آنها به این داستان تشخص ویژه‌ای می‌دهد و آن را به رمانس‌ها و داستان‌های پریان و جادوان غربی نزدیک می‌کند. شخصیت‌ها از هر دستی که باشند در قصه‌ها، ساختگی و تصنعی هستند و اوصاف متفاوت و حتی متضادی به خود می‌گیرند و تحت تأثیر موقعیت‌های داستانی تغییر می‌کنند. «شخصیت‌ها ساختگی‌اند و در دنیایی ساختگی وجود دارند؛ اما امور گوناگونی را تجربه می‌کنند که همگی کاملاً انسانی بوده و در کودکان و بزرگسالان واکنشی مبتنی بر همدلی برمی‌انگیزند»

بن‌مایه‌ها و خرق عادت‌های داستان

در بسیاری از داستان‌های سنتی زبان فارسی، می‌توان به بن‌مایه‌های یکسانی دست یافت. اصولاً در قصه‌ها و داستان‌های کهن، اشخاص و حوادث، گسترش دهنده بن‌مایه‌ها و مفاهیم مکرری هستند. این موضوع در پژوهش‌های پراپ و در تحلیل قصه‌های روسی اثبات شده است. «پراپ با تحلیل محتوای حدود صد قصه عامیانه روسی، به بن‌مایه‌های تکرار شونده آنها دست یافت» (گیرو، ۱۳۸۳: ۱۰۹).

داستان مهر و ماه از نظر بن‌مایه‌های فکری و معنایی، بسیاری از ویژگی‌های داستان‌های جن و پری را دارد که اجمالاً به برخی از آنها اشاره می‌شود:

عشق و شیفتگی: یکی از بن‌مایه‌های اصلی این داستان دلدادگی‌هایی است که میان عاشقان و معشوقان وجود دارد و محوریت داستان نیز همین امر است که سبب سفر مهر به سوی مغرب زمین و وصلت با ماه می‌شود.

جادو و جادوگری: در بخش‌های مختلف داستان، جادو و جادوگران حضور دارند که می‌توان به کنش‌های نرگس جادو، هامون و جزیره دیوساران، غولی که به هیأت پیری درآمده، کنش‌های بوقلمون دیو، جادوگرانی که تحت فرماندهی عاج بن عنق قرار دارند و مواردی از این دست اشاره کرد. **طلسم شکنی:** باطل کردن سحر و طلسم با یادکرد اسم اعظم و رفتن به چشمه ایوب، به کار بردن دعای ارمیا، استفاده از استخوان کعب غول، کشتن ماهی سیاهی که زندگی بوقلمون به او واپسته است و آتش زدن پر عندلیب و نجات یافتن از دشواری‌ها یکی دیگر از بن‌مایه‌های اصلی این داستان است.

شخصیت‌های انتزاعی: قمری محبوسی که بعداً به نام روزافزون مادر مهر معرفی می‌شود، عندلیب پسر هما شاه پریان، پیری که معلوم می‌شود غول است، بوقلمون دیو و وابستگانش و نمونه‌هایی از این دست در این داستان حضور دارند و به پیشبرد حوادث و خیال‌انگیزتر شدن داستان کمک کرده‌اند.

ناشناس ماندن از طریق تغییر شکل دادن: تغییر شکل غول به دیو، ناشناس ماندن نسیم و مهر با استفاده از مهره خاص، تبدیل افراد به حیوانات و بازگرداندن آنها به هیأت انسانی نیز از ویژگی‌ها و بن‌مایه‌های اصلی این اثر است.

فریب و فریبکاری: فریفتن و نیرنگ به کار بردن برای موفقیت و پیروزی و غلبه بر مخالفان از ویژگی‌های بارز این نوع داستان‌هاست و در این داستان نیز وجود دارد.

دعا و تأثیر آن: نقش دعا و باطل کردن سحر و جادو با بهره‌گیری از آن، در این داستان بسیار مؤثر بوده است.

سفر و انتقال: سفر و مخاطرات آن یکی از بن‌مایه‌های اصلی داستان مهر و ماه است و جنگ و گریزها و گرفتار شدن و رها شدن اشخاص، از نکات بارز آن است. حوادث خارق‌العاده و اعجاب‌انگیز نیز از ویژگی مهم قصه‌ها و داستان‌های سنتی است. این حوادث جزء وقایع اصلی و سرنوشت‌ساز داستان‌ها هستند. گاهی بیان این عجایب و سرگرمی ناشی از آن، از اهداف اصلی قصه‌نویسان و داستان‌پردازان بوده است. «برای گروهی گفتن قصه‌ای هیجان‌انگیز فی‌نفسه هدف است؛ آنها از آوردن رخدادهای نامحتمل یا حتی خیالی در اثر خود ابایی ندارند» (اسکولز، ۱۳۸۳: ۲۰).

در داستان مهر و ماه یکی از پایه‌های اصلی در پیشبرد داستان، وجود و دخالت حوادث خارق‌العاده است که برخی مبنای غیبی دارند و برخی مبنای جادویی؛ مثلاً تأثیر انگشتری سلیمان و تأثیر دعا از نکات شگفتی است که ریشه در عالم غیب و ساحت الهی دارد؛ ولی برخی دیگر نظیر جادوگری‌ها و سحرآفرینی‌ها و یا تأثیر استخوان کعب دیوی در نامرئی شدن انسان و وابسته بودن جان دیوی به ماهی‌ای در دریای دور دست، از زمره خیال‌پردازی و خرق عادت‌هایی است که بیشتر در خدمت اشتیاق‌آفرینی برای پیگیری داستان از سوی خواننده است. «تأکید بر حوادث خارق‌العاده، بیشتر از تحول و تکوین آدم‌ها و شخصیت‌ها است در قصه یا حکایات، محور ماجرا بر حوادث خلق‌الساعه قرار دارد؛ حوادث، قصه‌ها را به وجود می‌آورد و در واقع رکن اساسی و بنیادی آن را تشکیل می‌دهد» (داد، ۱۳۸۰: ۲۳۴). حوادث خارق‌العاده با تمام جذابیت و گیرایی که در قصه ایجاد می‌کند، موجب می‌شود خواننده به تصنعی و غیرواقعی بودن داستان بیشتر اذعان کند و همین امر سبب می‌شود که میزان حقیقت‌مانندی قصه‌ها کم شود. «بیشتر قصه‌ها فاقد حقیقت‌مانندی است یا حقیقت‌مانندی ابتدایی و ضعیفی دارد» (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۶۱). از سوی دیگر این حوادث، پیرنگ و طرح علت و معلولی قصه را تضعیف می‌کند و روند داستان را در نظر مخاطب غیرقابل باور می‌نماید. «حوادث خارق‌العاده جنبه استدلالی و علیت و پیرنگ قصه‌ها را ضعیف می‌کند» (همان: ۱۶۰).

برای نمونه به برخی از خرق عادت‌های ذکر شده در داستان مهر و ماه اشاره می‌شود: «آنگاه نرگس جادو به شکل اژدها شده سر از بالای حصار برون کرد و دهن بگشاد و لب بالا جانب یک خطه نهاد و لب زیرین طرف دیگر نهاد» (قصه مهر و ماه، ۱۳۸۹: ۲۷)؛ «نرگس جادو بدمید به قدرت خدا پادشاه به صورت شیر و فیلسوف به صورت روباه و روشن‌رای به صورت سیاه‌گوش گشتند» (همان: ۲۸)؛ «منجمان نظرهای سعد در طالع او دیدند اما در سن هزده سالگی از کاغذ پاره او را رنجی رسد» (همان: ۳۴)؛ «آنگاه عندلیب چند پر از بال خود برکند و به مهر داد و گفت

اگر در راه ترا رنجی پیش آمد این پرها بر آتش نه تا من حاضر آیم و ترا یاری کنم» (همان: ۵۵)؛ «این جزیره دوال پایان بود که صورت اینها چون آدمی و پاهایی چون دوال چرم...» (همان: ۵۶)؛ «استخوان کعب او بیرون آورد و از وی مهره ساخت و خاصیت آن مهره آن است که هر کس با خود دارد هر جا رود هیچ کس او را نبیند» (همان: ۹۳)؛ بوقلمون جادو گفت: «جان و زندگی من با جان ماهی سیاه پیوسته است که در فلان چشمه است» (همان: ۱۲۰).

یکی دیگر از خرق‌عادت‌های این داستان موقعی است که یکی از شخصیت‌ها با دیدن خوابی از آینده و سرگذشت خود مطلع می‌شود (با توجه به محدودیت مقاله از ذکر نمونه صرف نظر می‌شود).

راوی و زاویه دید داستان

زاویه دید، همان روشی است که نگارنده برای بیان داستان خود انتخاب می‌کند. «زاویه دید نمایش دهنده شیوه‌ای است که نویسنده به وسیله آن مصالح و مواد داستان خود را به خواننده ارائه می‌کند و در واقع رابطه نویسنده را با داستان نشان می‌دهد» (میرصادقی، ۱۳۶۷: ۲۳۹). نویسنده از این طریق به توصیف وقایع داستان برای خواننده می‌پردازد؛ یعنی «زاویه دید، موقعیتی است که نویسنده نسبت به روایت داستان اتخاذ می‌کند و دریچه‌ای است که پیش روی خواننده می‌گشاید تا او از آن دریچه حوادث داستان را ببیند و بخواند» (داد، ۱۳۸۰: ۲۵۹). نویسنده از طریق زاویه دید مواد و بن‌مایه‌های داستانی را به خواننده عرضه می‌کند و این امر بر سایر اجزای داستان نیز تأثیر می‌گذارد. در داستان‌های سنتی زاویه دید روند یکنواخت و یکسانی ندارد و نویسنده هر آن ممکن است آن را تغییر دهد. «گزارنده قصه به زاویه دید شخصیت یا قهرمان خاصی اکتفا نمی‌کند و هر جا که بخواهد زاویه دید قصه را عوض می‌کند و قهرمان یا شخصیتی دیگر دنبال قصه را می‌گیرد» (میرصادقی، ۱۳۸۰: ۴۲۸). در واقع زاویه دید در قصه‌های فارسی روال معین و یکسانی ندارد و چون تنها نقل حوادث و پیشبرد آن مهم است، راوی و زاویه روایت عوض می‌شود و فاقد طرح و نظام خاصی است. راوی یا راویان اصلی در داستان مهر و ماه ناشناخته‌اند و مانند اغلب داستان‌های سنتی با الفاظ کلی و کلیشه‌ای از آنها یاد می‌شود؛ مانند «راویان اخبار»، «ناقلان آثار»، «راوی» و... در جای جای داستان مهر و ماه بر حضور راوی تکیه می‌شود و الفاظ «راوی چنین گفت» در بخش‌های مختلف این داستان نشانگر عطف توجه دادن مخاطب به راوی داستان است؛ ولی هیچ‌گاه راوی از این شکل عام خارج نمی‌شود و خواننده حقیقتاً شناختی از او پیدا نمی‌کند. به چند نمونه اشاره می‌شود: «بدان که راویان اخبار و ناقلان

آثار و خوشه‌چینیان خرمن سخن و نکته‌دانان داستان کهن چنین روایت می‌کنند که...» (قصه مهر و ماه، ۱۳۸۹: ۲۳)؛ «القصه راوی روایت می‌کند که...» (همان: ۲۷)؛ «راویان اخبار چنین روایت می‌کنند که...» (همان: ۳۰)؛ «اما راوی چنین گوید که...» (همان: ۳۵) در این داستان با آوردن کلمه «القصه» نوعی فاصله‌روایی ایجاد شده و مجدداً خواننده به پیگیری روایت هدایت می‌شود. زاویه دید این داستان سوم شخص یا دانای کل است که در بیرون داستان قرار دارد و مصالح داستان را به خواننده منتقل می‌نماید و در سراسر داستان همین زاویه دید حاکم است.

زمان

در قصه‌ها و داستان‌های سنتی زمان، فرضی و کلی است و حقیقت‌مانندی و قطعیت لازم را ندارد؛ به گونه‌ای که حقیقتاً راوی و نویسنده خواننده را چندان به زمان وقوع حادثه هدایت نمی‌کند و غالباً با عبارات کلیشه‌ای و کلی به زمان اشاره می‌شود. در این داستان با تعبیر «شبی یا روزی» به زمان مبهم وقوع داستان اشاره می‌شود و هرگز خواننده به محدوده تاریخی یا فرضی وقوع داستان پی نمی‌برد. البته در اواخر داستان به روبه‌رو شدن مهر با عادیان از قوم عاد اشاره می‌شود که این امر نیز چندان به زمان و موقعیت تاریخی داستان کمک نمی‌کند. چنان‌که دیده می‌شود زمان در این داستان، کلی و نامشخص است. البته زمان در داستان‌های سنتی جایگاه برجسته‌ای ندارد و نویسندگان چندان در پرورش زمان و ایجاد فضای زمانی در داستان‌ها علاقه‌ای نداشتند و اصولاً ابهام در زمان و دوری و نامشخص بودن آن، از ویژگی‌های این نوع داستان‌هاست، مگر داستان‌هایی که پیشینه تاریخی داشته باشند که در آن نیز کلیت و فراگیری زمان مشهود است. برخلاف رمان و داستان امروزی در نگرش سنتی، زمان چندان پرداخت و توصیف نمی‌شود. البته در مواقعی که زمان تعیین می‌شود، ساختگی و تصنعی بودن آن هویداست.

مکان

مکان مانند زمان در داستان‌های سنتی نامشخص و فرضی است و اغلب مکان‌های واقعی و معینی که ذکر می‌شوند، صد در صد قطعیت ندارند. در داستان‌های گذشته داستان‌پرداز خیلی به مکان توجه نمی‌کند؛ به همین دلیل در اغلب داستان‌ها مکان نامعلوم بود و یا به شکل نامشخص و کلی بیان می‌شد. برخی مکان‌ها در این داستان، واقعی و برخی خیالی هستند؛ مثلاً از اماکنی چون بندر هرمز، بیت المقدس، چین، حجاز، ختن، یمن، سراندیب، شام، عدن، مداین، مصر و مکه یاد می‌شود که واقعی هستند؛ ولی اماکنی چون جزیره دوال پایان، جزیره دیوسار، جزیره ریحان، قاف و قلعه نرگس مکان‌هایی خیالی و فرضی هستند.

گستره مکانی داستان مهر و ماه از مشرق تا مغرب را شامل می‌شود و از چین و دریای چین شروع می‌شود و ختن، هند، سرانندیب و هرمز، مکه، مداین، شام، مصر و فرنگ را تا دریای مغرب در بر می‌گیرد و برخی مکان‌های دیگر چنان‌که ذکر شد خیالی و ساختگی هستند، این اماکن در ساختار مکانی و صحنه‌پردازی داستان، خیال‌انگیزی بیشتری ایجاد می‌کنند و بر تفننی بودن قصه می‌افزایند.

نتیجه‌گیری

چنان‌که دیده شد داستان مهر و ماه از داستان‌های منثور عاشقانه ادبیات فارسی است که روایت‌های دیگری هم از آن در دست است. این داستان از نظر تحلیل‌های زبانی و ادبی، اختصاصات ویژه‌ای دارد و با به کارگیری شعر، نامه‌نگاری، الفاظ و ترکیبات خاص، تشبیهات، استعاره‌ها و اسجاع سبک بیانی متمایزی می‌یابد. از نظر شخصیت‌پردازی بیشتر حوادث حول نیروهای جادویی، زنان و شاهان می‌چرخد. نویسنده از ۴۵ شخصیت مشخص و غالباً با اسم خاص در داستان استفاده کرده است. زاویه دید در داستان مهر و ماه، سوم شخص و روای ناشناخته و مبهم است. داستان ساختار زنجیره‌ای ویژه‌ای دارد که با الگوی پراپ قابل تحلیل است. شخصیت‌ها نیز در هفت حوزه عمل دسته‌بندی می‌شوند. خرق عادت از ویژگی‌های اساسی این داستان است. زمان در این داستان مانند داستان‌های سنتی نامعین و نامشخص است؛ ولی مکان وقوع روایت از چین به هند، مکه، شام، مصر و مغرب گسترش می‌یابد. این موارد نشان می‌دهد داستان مهر و ماه تشخیص داستانی قابل توجهی دارد و مانند اغلب داستان‌های گذشته این مرز و بوم ارزش تحلیل و پژوهش را دارد و در زمرهٔ موارد فرهنگی و ادبی زبان فارسی محسوب می‌شود.

پی‌نوشت

۱. ر.ک. جمالی دهلوی، ۱۳۵۳: مقدمه.
۲. ر.ک. حسن لی، ۱۳۸۲: ۹۱، حسینی شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۵.
۳. ر.ک. محجوب، ۱۳۸۳: ۱۲۶.
۴. دربارهٔ داستان‌های عامیانه و شیوه‌های مختلف مطالعه و ارزیابی آنها می‌توان به این دیدگاه‌ها نیز اشاره کرد:
ایگلتون، ۱۳۸۳: ۱۴۴؛ گیرو، ۱۳۸۳: ۱۰۹؛ برتنس، ۱۳۸۴: ۵۲-۴۹؛ سلدن، ۱۳۸۴: ۱۴۱ و ۱۴۲
همچنین دربارهٔ روایت‌شناسی ر.ک. سجودی، ۱۳۸۳: ۷۳؛ گرین، ۱۳۸۳: ۱۰۹.
۵. ر.ک. پراپ، ۱۳۶۸.

منابع

- آسابر، آرتور (۱۳۸۰) روایت در فرهنگ عامیانه، رسانه و زندگی روزمره، ترجمه محمدرضا لیرادی، تهران، سروش.
- اسکولز، رابرت (۱۳۸۳) ساختارگرایی در ادبیات، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ دوم، تهران، مرکز.
- ایگلتون، تری (۱۳۸۳) پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی، ترجمه عباس مخبر، چاپ سوم، تهران، مرکز.
- برتنس، هانس (۱۳۸۴) مبانی نظریه ادبی، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، تهران، ماهی.
- پراپ، ولادیمیر (۱۳۶۸) ریخت‌شناسی قصه‌های پریان، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، توس.
- جمالی دهلوی، حامدبن فضل‌الله (۱۳۵۳) مثنوی مهر و ماه، مقدمه و تصحیح حسام‌الدین راشدی، راولپندی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- حسن لی، کاووس (۱۳۸۲) داستانی عاشقانه در گزارشی عرفانی (نگاهی به منظومه «مهر و ماه» حسینی شیرازی)، در: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱۴۰، ص ۹۱-۱۰۶.
- حسینی شیرازی، محمدحسین بن محمدحسن (۱۳۸۶) مثنوی مهر و ماه: دفتر دوم از پنج گنج حسینی، تصحیح و توضیح کاووس حسن لی و کاووس رضایی، شیراز، نوید شیراز.
- داد، سیما (۱۳۸۰) فرهنگ اصطلاحات ادبی، چاپ چهارم، تهران، مرواری.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۳) نشانه‌شناسی کاربردی، چاپ دوم، تهران، قصه.
- سلدن، رامان (۱۳۸۴) راهنمای نظریه ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، چاپ سوم، تهران، طرح نو.
- عصار تبریزی، محمد (۱۳۷۵) مهر و مشتری، تصحیح رضا مصطفوی سبزواری، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- گرین، کیت (۱۳۸۳) درسنامه نظریه و نقد ادبی، ویراسته حسین پاینده، تهران، روزنگار.
- گیرو، پی‌یر (۱۳۸۳) نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، چاپ دوم، تهران، آگه.
- قصه مهر و ماه (۱۳۸۹) به تصحیح محمد حسین اسلام پناه، با مقدمه ایرج افشار، تهران، چشمه.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۳) ادبیات عامیانه ایران، به کوشش حسن ذوالفقاری، چاپ دوم، تهران، چشمه.
- میرصادقی، جمال (۱۳۶۵) ادبیات داستانی، چاپ دوم، تهران، ماهور.
- میرصادقی، جمال (۱۳۶۷) عناصر داستان، چاپ دوم، تهران، شفا.
- میرصادقی، جمال (۱۳۸۰) عناصر داستانی، چاپ چهارم، تهران، سخن.